

نقش نفت در سرنوشت منطقه «منا»

بهروز بیگ علیزاده^۱ | تحلیلگر ارشد بازار نفت - وزارت نفت

بحران مصر توانست سطح عمومی قیمت‌های نفت را افزایش دهد، اما تأثیر بحران مصر بر بازار اروپا بیش از هر بازار دیگری بود؛ زیرا مصر کانال ارتباط نفت خاورمیانه به اروپا محسوب می‌گردد و بازار احتمال می‌داد این ناآرامی‌ها به تاسیسات حمل و نقل نفت در مصر آسیب زده و باعث ایجاد وقفه در انتقال نفت خاورمیانه به اروپا گردد. با توجه به اینکه روزانه دو میلیون بشکه نفت خام از طریق کانال سوئز و خط لوله مدیترانه (سومد) منتقل می‌شود، توقف آن می‌توانست بازار اروپا را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس آخرین آمار موجود در سال ۲۰۰۹ بیش از ۳۴ هزار کشتی از کانال سوئز عبور کردند که تقریباً ۲۷۰۰ فروند از آنها نفتکش بوده

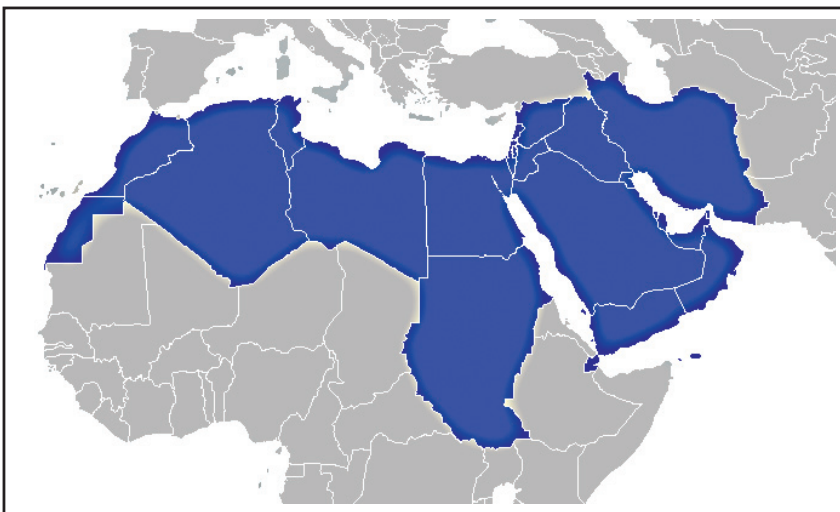
که بیش از سی سال بر مصر حکومت کرده بود، پایان دهد؛ در لیبی نیز این جریانات به سقوط دولت و کشته شدن سرهنگ قذافی منتهی شد.

تأثیر بیداری اسلامی منطقه «منا» بر قیمت نفت

از ابتدای شروع بیداری اسلامی در منطقه «منا»، تأثیر این نگرانی‌ها به سرعت بر قیمت‌های نفت منعکس گردید و قیمت نفت خام «برنت» که در ماه دسامبر ۲۰۱۰ در سطح ۹۱/۵۳ دلار به ازای هر بشکه قرار داشت در ماه ژانویه ۲۰۱۱ به سطح ۹۶/۳۵ دلار در بشکه صعود کرد. میانگین قیمت این نفت خام با رسیدن بحران به لیبی در ماه فوریه ۲۰۱۱ به سطح ۱۰۳/۷۶ دلار در بشکه رسید. توجه به این نکته ضروری است که هر چند

«منا»^۲، اصطلاحی است که برای نامیدن کشورهای عمده تولیدکننده نفت که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند به کار می‌رود. حد این منطقه از کشور مراکش در شمال غربی قاره آفریقا آغاز می‌شود و تا ایران، شرقی‌ترین کشور منطقه خاورمیانه امتداد می‌یابد. این منطقه، دارای حدود ۶۰ درصد منابع نفتی و ۴۵ درصد منابع گازی جهان می‌باشد. اقتصاد این کشورها رابطه تنگاتنگی با تغییرات جهانی بهای نفت دارد. این منطقه یکی از قدیمی‌ترین حوزه‌های برداشت نفت در جهان محسوب می‌شود.

ناآرامی‌های سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا که به منطقه «منا» معروف است از ابتدای سال جاری میلادی (۲۰۱۱) در تونس آغاز شد و به سقوط دولت این کشور منجر گردید. این ناآرامی‌ها به سرعت در برخی دیگر از کشورهای عربی مانند: الجزایر، اردن، یمن، عربستان، بحرین، مصر و لیبی نیز مشاهده شد. در اردن، دولت به دستور پادشاه این کشور منحل گردید. اما ناآرامی‌ها در مصر و لیبی نمود جهانی‌تری یافت و با سقوط دولت‌های این دو کشور، توجه محافل سیاسی به آنها بیش از پیش جلب گردید. بازار نفت از زمان شروع این موج ناآرامی‌ها، زنجیره حوادث را دنبال می‌کرد ولی با شروع ناآرامی‌ها در مصر که از تاریخ ۲۵ ژانویه آغاز شده بود، بازار دچار نگرانی عمیقی شد. بحران مصر سرانجام توانست با سرنگونی حسنی مبارک رئیس‌جمهور مادام‌العمر، به این رژیم خودکامه



شکل ۱ | کشورهای حاضر در منطقه منا (رنگ آبی تیره)



و ۲۹ میلیون تن نفت (معادل ۲۱۳ میلیون بشکه در سال یا ۵۸۲ هزار بشکه در روز) را حمل کردند. این نگرانی‌ها با انتشار خبر اعتصاب بیش از ۳۰۰۰ نفر از کارکنان شاغل در شرکت‌های منطقه سوئز، در روز چهارشنبه ۹ فوریه ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. هر چند هیچ گونه خبری دال بر وقفه در عبور و مرور کشتی‌ها از این کانال منتشر نگردید، اما احتمال وقوع چنین توقیفی باعث هراس دست‌اندکاران بازار نفت شد.

در همین حال در تاریخ پنجم فوریه ۲۰۱۱ خبرگذاری‌ها اعلام کردند که انفجار شدید در خط لوله انتقال گاز مصر به رژیم اشغالگر قدس منجر به قطع انتقال گاز به این رژیم شده است. این حادثه در منطقه «شیخ زوید» در شمال صحرای سینا در ۱۰ کیلومتری مرز «غزه» روی داد. شایان ذکر است، در حالی که خط لوله انتقال گاز مصر به رژیم صهیونیستی پیشتر نیز به دفعات مورد اصابت حملات مشابه قرار گرفته بود، اما این بار، حمله به این خط لوله انتقال گاز با اعتراضات همگانی روبه‌رو شد و توجه محافل نفتی را به خود جلب کرد. در گذشته مصر حدود ۴۰ درصد از نیاز رژیم صهیونیستی به گاز را تامین می‌کرده و باقی این نیاز، از کارخانه گاز مایع در نزدیکی شهر «اشدود» (یام تیس) تامین می‌شد. صادرات گاز از مصر به رژیم صهیونیستی بخشی از توافقنامه «کويز» حسنی مبارک با این رژیم در سال ۲۰۰۵ بود که ارزشی معادل دو میلیارد دلار داشت. در عین حال دادگاه جنایی مصر تعدادی از مقامات رسمی رژیم «مبارک» را به اتهام فروش صادرات گاز به رژیم صهیونیستی به قیمتی کمتر از قیمت تعیین شده بازار محکوم کرد، اتهامی که به موجب آن ۷۱۴ میلیون دلار به مصر خسارت وارد شده است؛ دولت جدید مصر نیز به دنبال آن به بازخوانی مفاد این قرارداد پرداخته است.

با پیروزی کامل انقلابیون لیبی در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ در کنار دخالت‌های نظامی ناتو انتظار می‌رود که تولید نفت خام این کشور تا پایان سال ۲۰۱۲ به ۷۰۰ هزار بشکه الی یک میلیون بشکه در روز برسد. بدون تردید امنیت و ثبات سیاسی نقش کلیدی در افزایش تولید لیبی بر عهده خواهند داشت. البته هر چند افزایش تولید اعضای اوپک توانست در چند ماه گذشته کمبود نفت خام لیبی را در بازار جبران کند، اما کمبود نفت خام سبک لیبی در بازار

کاملاً قابل احساس است. زیرا تولید نفت خام سایر کشورهای عضو اوپک نمی‌تواند از لحاظ کیفی جایگزین نفت خام سبک لیبی شود. علاوه بر آن، احتمال گسترش این بحران به سایر کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز به وحشت بازار نفت دامن زده است. بازار نفت از این واقعت اطلاع دارد که اوضاع دمکراسی در بسیاری از کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار وخیم می‌باشد. به ویژه اینکه از لحاظ فرهنگی نیز موجی از بیداری اسلامی در این منطقه در حال گسترش بوده و احتمال دارد این وضعیت، بازار نفت را به بحران عمیقی دچار سازد.

دیدگاه مصرف کنندگان عمده غربی نفت در خصوص بیداری اسلامی در منطقه «منا»

بررسی اخیر که توسط «واحد اطلاعاتی اکنومیسٹ»^۳ در باره وضعیت دمکراسی در کشورهای منطقه «منا» انجام شده است به خوبی نشان می‌دهد که این منطقه در وضعیت پرتنش قرار دارد و تقریباً اکثر کشورهای منطقه دارای نظام‌های مستبدانه بوده که وضعیت آنها در دو سال گذشته بدتر نیز شده است. معیارهایی که این موسسه برای برآورد شاخص دمکراسی انتخاب کرده است عبارتند از: فرآیند انتخابات و مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی.

هر چند ممکن است این معیارها مورد نقادی قرار بگیرند و یا صحت برآورد آنها مورد خدشه واقع شود، اما نکته‌ای که در این بحث اهمیت دارد این است که از دیدگاه مصرف کنندگان عمده غربی نفت، دولت در این کشورها غیردمکراتیک می‌باشد. اما در عین حال اقتصاد کشورهای صنعتی غرب به نفت این کشورها نیاز دارد. در سال ۲۰۰۹ این کشورها در مجموع ۲۵ میلیون بشکه نفت خام و مایعات گازی تولید کردند که معادل ۲۹ درصد از تقاضای جهانی نفت در سال جاری (۸۷/۸۱ میلیون بشکه در روز) بوده و ۴۳۳/۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی نیز تولید کرده‌اند که معادل ۱۴ درصد از مصرف گاز طبیعی در جهان می‌باشد (جدول ۱).

با توجه به نقش مهمی که منطقه «منا» در تامین تقاضای انرژی در جهان بازی می‌کند، کشورهای مصرف کننده عمده نفت در شرایط دشواری

گرفتار آمده‌اند. از یک سو، به نفت نیاز دارند و برای دست‌یابی به جریان دائمی نفت ناچارند از هیئت حاکمه این کشورها که جریان نفت را در دست دارند حمایت کنند و از ارزش‌هایی که خود را هر چند به ظاهر مدافع آنها می‌دانند، چشم‌پوشی کنند و از سوی دیگر ناچارند این مخاطره را تحمل کنند که هر آینه ممکن است در این کشورها اعتراض‌های مردمی به صورت یک موج ظاهر گردد و ثبات سیاسی را برهم زند و جریان پیوسته نفت به جهان صنعتی را دچار وقفه سازد.

مصرف کنندگان عمده نفت می‌دانند که صادرکنندگان نفت در صورت تبدیل شدن به کشورهای توسعه یافته، تلاش خواهند کرد تا جایی که امکان دارد نفت خود را به صورت خام در اختیار مصرف کنندگان قرار ندهند. زیرا یک کشور توسعه یافته می‌تواند با تبدیل کردن نفت خام خود به صورت کالای نهایی و یا به صورت مواد نیمه خام، مانع از خروج ارزش افزوده از مرزهایش شود. در حالی که این هدف در تقابل با اهداف کوتاه مدت یک رژیم مستبد قرار دارد، زیرا چنین رژیمی درآمدهای نقدی و سریع حاصل از صادرات نفت خام را ترجیح می‌دهد. بدون تردید وجود نظام مستبد، مسیر توسعه را برای یک کشور

تولید نفت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا - ۲۰۰۹	
کشور	تولید نفت خام در سال ۲۰۰۹ (هزار بشکه در روز)
عربستان سعودی	۹۶۱۷
امارات	۲۴۹۲
الجزایر	۲۴۲۰
عراق	۲۳۶۶
کویت	۲۳۰۲
لیبی	۱۵۵۴
قطر	۹۹۳
عمان	۸۰۸
مصر	۷۳۲
سودان	۵۰۰
سوریه	۳۸۶
یمن	۲۹۸
مراکش	۲۹۴
بحرین	۱۹۲
تونس	۸۲
اردن	۰/۰۴
مجموع	۲۵۰۳۵

است عرضه نفت را به مخاطره بیندازد برطرف گردد. اما به هر حال گروه‌های معتدل اسلام خواه نیز هدف این اتهام قرار خواهند گرفت.

ج: سعی خواهند کرد از قشر بومی تحصیل کرده در کشورهای غربی برای جایگزینی حاکمان سنتی استفاده کنند تا به این وسیله با اعطای برخی از آزادی‌های فرهنگی از بروز نارضایتی‌های عمومی جلوگیری کنند.

نتیجه‌گیری

نا آرامی‌های منطقه «منا» توجه محافل سیاسی را به خود جلب کرده است. تاثیر این نگرانی‌ها نیز به سرعت بر قیمت‌های نفت منعکس گردیده و قیمت نفت خام را افزایش داده است، زیرا نگرانی از وقفه در صادرات نفت به کشورهای صنعتی مصرف کننده عمده نفت و گسترش این بحران به سایر کشورهای تولید کننده نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به وحشت بازار نفت دامن زده است. حقیقت این است که اوضاع دمکراسی در بسیاری از کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار وخیم می‌باشد. این وضعیت، بذر بحران را در خود می‌پرورد، به ویژه اینکه از لحاظ فرهنگی نیز موجی از بیداری اسلامی در این منطقه در حال گسترش است. بنابراین دولت‌های مصرف کننده عمده نفت تلاش خواهند کرد در صورت ایجاد موج اعتراضات مردمی به نحوی در این جریان دخالت کنند که همچنان عرضه نفت بدون وقفه ادامه یابد. آنها این هدف را با انتقال مسالمت آمیز قدرت و یا انتقال سریع قدرت از طریق مداخله نظامی، توزیع ظرفیت مازاد تولید نفت، آزادی‌های فرهنگی و مقابله با تروریسم واهی دنبال می‌کنند.

مالی به مردم و برنامه‌های اشتغال زایی به تصویب رساند تا از گسترش موج ناآرامی‌ها به عربستان جلوگیری کند. اما به هر حال دو موضوع دیگر همچنان حل نشده باقی خواهد ماند:

اول اینکه، معمولاً در این کشورها پتانسیل سلفی‌گری و یا اسلام خواهی وجود دارد که با دست یافتن به منابع مالی به ویژه منابع مالی ناشی از درآمدهای نفتی می‌تواند هسته‌های بی‌ثباتی را شکل دهد.

دوم اینکه، سرشت انسان‌ها، نظام‌های مستبدانه را بر نمی‌تابد و با به وجود آمدن شرایط مناسب، قیام‌های اجتماعی اجتناب ناپذیر خواهد بود. در این صورت مصرف کنندگان عمده غربی نفت در جهت تضمین روند عرضه نفت به حرکت در خواهند آمد. در این هنگام آنها ممکن است با استفاده از نفوذی که در این کشورها دارند چند سناریو را دنبال کنند:

الف: تلاش خواهند کرد با کمک به توسعه صنعت نفت سایر کشورهای تولید کننده نفت، ظرفیت مازاد تولید نفت را در بین سایر کشورها توزیع کنند تا در صورت بروز هرگونه ناآرامی و قطع عرضه نفت در هر کدام از این کشورها، ظرفیت مازاد در سایر کشورها که به صورت سوپاپ اطمینان برای سیستم عرضه جهانی عمل می‌کند اجازه ندهد زنجیره عرضه دچار اختلال شود.

ب: با انگیزه مقابله با تروریسم به مقابله با حرکت‌های اسلام خواهی خواهند پرداخت. البته برخی از گروه‌های سلفی نیز که به اقدامات غیر مشروع تروریستی اقدام می‌کنند مانند «القاعده» نیز هدف این مقابله با تروریسم قرار خواهند گرفت تا هرگونه عامل بی‌ثباتی که ممکن

دشوارتر خواهد ساخت. بنابراین مصرف کنندگان عمده نفت خام، خود را ملزم به حمایت از نظام‌های حکومتی می‌دانند که در مسیرهای توسعه‌ای گام برداشته و در نهایت سیاست‌های حکومتی آنها منتهی به کاهش و یا قطع عرضه نفت خام نشود، در نتیجه راهی جز بستن چشم خود در مقابل رفتار ستمگرانه این رژیم‌ها نسبت به اعتراضات مردمی نخواهند داشت. بنابراین به نظر می‌رسد دولت‌های مصرف کننده عمده نفت، تلاش خواهند کرد در این کشورها حکومت‌های مستبد زمام امور را در اختیار داشته باشند و از آنها حمایت خواهند کرد، اما در صورتی که موج اعتراضات مردمی صادرات نفت را به خطر اندازد، غربی‌ها به نحوی در این جریان دخالت می‌کنند که قدرت به طور مسالمت آمیز و یا با کمترین هزینه به زمامداران مستبد بعدی که در پوشش دمکراتیک ظاهر شده اند تحویل داده شود؛ تا در این تغییرات هم چنان عرضه نفت بدون وقفه ادامه یابد و اعتراضات مردمی نیز آرام گردد. مصر و لیبی دو نمونه اخیر برای این موضوع می‌باشند.

سناریوهای کشورهای غربی مصرف کننده نفت منطقه «منا»

در بین کشورهای این منطقه، کشورهایی وجود دارند که از درآمد بالای نفتی برخوردارند. آنها این فرصت را در اختیار دارند که از طریق افزایش رفاه عمومی، مانع از گسترش نارضایتی‌ها بشوند. آنها تلاش می‌کنند با استفاده از درآمدهای نفتی خود، آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و امنیت را برقرار کرده و از شکل‌گیری گروه‌های ناراضی جلوگیری کنند. همان گونه که پادشاه عربستان با نزدیک شدن بحران به کشورش بودجه‌ای معادل ۱۳۰ میلیارد دلار برای امور اجتماعی، کمک‌های

پی‌نوشت‌ها

¹ balizadeh@nioc.ir

² Middle East and North Africa (MENA)

³ Economist Intelligence Unit (EIU)

منابع

[1] BP Statistical Review of World Energy, June 2011.
[2] Monthly Oil Market Report, OPEC, October 2011.
[3] MEES, 10 January 2011.

[4] OAPC Annual Statistical Report 2010.
[5] <http://data.un.org>.
[6] <http://www.presstv.ir/detail/198980.html>.